

خبر

دیدار دوجانبه باقری ومورادر وین

● ایستا: دیدار دوجانبه علی باقری، رئیس هیئت مذاکره‌کننده ایران و انریکه مورا، هماهنگ‌کننده اروپایی گفت‌وگوها در هتل کوبورگ وین برگزار شد. پس از این نشست نیز جلسه‌ای با حضور مذاکره‌کنندگان ارشد ایران، اتحادیه اروپا و سه کشور اروپایی برگزار شد.

ادامه از صفحه اول

روایت نماز جمعه شهرامید

حجت‌الاسلام منتصف افزود کارشناسان و مقامات اقتصادی دولت باید ببینن کنند نتیجه مذاکره در زندگی و معیشت مردم چه اثراتی خواهد داشت. در این حوزه درخواست بنده از همه دولتمردان این است حرف‌هایی نزنند و وعده‌هایی ندهند که قابل‌انجام نیست. اینها مردم را بیشتر ناراحت می‌کند، مردمی که تا اینجا کار هم بیش از حد تصور نجیبانه همراهی کرده‌اند. وی افزود بنده در جریان اقدامات خوب دولت محترم و برنامه‌ریزی برای کنشایش در موضوعات اقتصادی هستم، اما از رئیس‌جمهور مردمی می‌خواهم هر مسئولی را که با سخنرانی‌ها و مصاحبه‌هایش نمک بر زخم مردم نجیب و شریف کشورمان می‌پاشد، مواخذه و توبیخ و در صورت تکرار رویه ناپسندش با او برخورد کند. امروز تشویش اذهان عمومی نه توسط رسانه‌ها و منتقدان دلسوز که توسط عده‌ای امثال بنده و مسئولان ان‌شاء‌الله ناآگاه انجام می‌شود. خطیب نمازجمعه شهر امید ضمن ابراز تأسف از اخراج برخی استادان از دانشگاه‌های کشور گفت در هفته‌های گذشته که انتظار می‌رفت با بهبود روند مذاکرات و بازشدن فضای سیاست خارجی، فضای داخلی با همبستگی و انسجام بیشتر بی‌تش و آرام پیش برود، با انتشار خبر این اخراج‌ها شایبه‌هایی در ذهن افکار عمومی شکل گرفته.

بنده مباحث و موضوعاتی که بعضی از این استادان گفته و نوشته‌اند را خواندم، بیان دردها و مشکلات با ارائه پیشنهاد از سر دلسوزی چیزی است که همه باید از آن استقبال کنیم. از دولت محترم می‌خواهم موضوع را برای افکار عمومی توضیح دهند و اگر نکته‌ای وجود دارد آن را اعلام کنند.

وی تأکید کرد در بحث سفر رئیس‌جمهور محترم به روسیه نقدها و نظرات دلسوزانه‌ای وجود دارد، باید آنها را شنید و در موارد بعدی مورد توجه قرار داد. امروز سؤالات زیادی در ذهن مردم وجود دارد که لازم است پاسخ داده شود. از صداوسیما هم می‌خواهم نظرات همه اقشار و گروه‌ها را منعکس کند تا به‌معنای واقعی مردم آن را رسانه ملی کشور ببانند. حجت‌الاسلام منتصف با بیان اینکه خطبه‌ام را با دعوت خودم و شما به تقوای الهی و رعایت انصاف و خویش‌نداری به پایان می‌برم، گفت امروز از یکی از کارشناسان حوزه دیپلماسی دعوت کرده‌ام از این تریبون خلاصه‌ای از نقدها و نظرات در مورد سفر رئیس‌جمهور محترم به روسیه و حاشیه‌های آن را بیان کنند. از صداوسیمای مرکز شهرستان هم می‌خواهم همچنان‌که سخنان بنده را پوشش می‌دهند، این سخنان دلسوزانه و ان‌شاءالله را‌هگشا را هم به سمع‌ونظر مردم خوب شهر برسانند.

سلام و درود خدا بر مردم که تأمین راحتی، امنیت و آرامش آنان بر عهده ما است. خداوند مقامات ما را در مسائلی که برای مردم و در راه خیر مردم است الهام ببخشد.

روح‌اله نخعی؛ وزیر خارجه قطر به تهران آمد. محمد بن‌عبدالرحمن آل‌ثانی، معاون نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه قطر که سه‌شنبه‌شب با وزیر خارجه ایران گفت‌وگوی تلفنی داشت، پنجشنبه به تهران آمد تا با رئیس دولت سیزدهم و وزیر خارجه‌اش دیدار کند. این حقیقت که سفر او عملاً بلافاصله بعد از تماس با آنتونی بلینکن و حسین امیرعبداللهیان انجام شده است، نشان می‌دهد موضوع صحبت بین قطر، آمریکا و ایران به اندازه‌ای مهم بوده که لازم باشد دو طرف به گفت‌وگوی تلفنی اکتفا نکنند و محمد بن‌عبدالرحمن آل‌ثانی راهی تهران شود. مسئله البته اینجاست که به نظر می‌رسد موضوع اصلی گفت‌وگوی عبدالرحمن آل‌ثانی با امیرعبداللهیان و سپس با سیدابراهیم رئیسی، به رسانه‌ها راه نیافته و در روایت رسمی رسانه‌ای تنها دعوت او از ایران برای شرکت در اجلاس سران کشورهای صادرکننده گاز به‌عنوان یک مسئله مشخص مطرح شده و به‌جز آن به گفت‌وگو درباره «مسائل مورد علاقه» و دوجانبه اشاره شده است؛ اما سابقه تعاملات ایران و قطر حاکی از آن است که گفت‌وگوی ایران و قطر، آن‌هم به این شکل، معمولاً درباره مسائلی علاوه بر موضوعات بین دو طرف است. اگرچه ایران و قطر به‌عنوان دو بازیگر منطقه‌ای، حرف‌هایی با هم برای گفتن دارند، قطر به‌خصوص در سال‌های اخیر، درباره موضوعات دیگر حرف‌های بیشتری با ایران دارد.

قطر به‌جای عمان

در زمان سلطنت سلطان قابوس در عمان و وزارت خارجه یوسف بن‌علوی، عمان پرچمدار وساطت و ارسال و دریافت پیام بین ایران از یک سو و عربستان یا ایالات متحده از سوی دیگر بود؛ اما با درگذشت سلطان قابوس و نشستن هئیم بن‌طراق آل‌سعید بر جای او و نیز تغییر وزیر خارجه از بن‌علوی به بدر بن‌حمد البوسعیدی، عمان کمی در این زمینه عقب نشسته است. بااین‌حال، از کمی پیش‌تر از آن، یک بازیگر دیگر کم‌کم در حال نزدیک‌شدن به این نقش بود و حالا با فاصله‌گرفتن عمان از جایگاه سابقش، به نظر می‌رسد آن بازیگر دیگر در این زمینه از عمان پیشی گرفته است. بعد از ماجرای محاصره اقتصادی قطر از سوی عربستان سعودی و تحولات حین و پس از آن، دینامیک تعامل بین قطر و بازیگران منطقه به‌خصوص ایران تغییر کرد و قطر فرصتی برای ورود به نقش میانجی را غنیمت شمرد تا حالا در میانه اتفاقات مهم، بن‌عبدالرحمن به همان شکلی مشغول تعامل با امیرعبداللهیان شود که زمانی نه‌چندان دور، بن‌علوی با محمدجواد ظریف، وزیر خارجه سابق ایران، در ارتباط بود. در این مرحله، سه موضوع از موضوعات احتمالی این گفت‌وگو به نظر می‌رسند که برجسته‌ترین آنها، به برجسته‌ترین خبر حوزه دیپلماسی در هفته گذشته نیز مربوط است.

دیپلماسی

بعد از تماس تلفنی با امیرعبداللهیان، وزیر خارجه قطر به تهران آمد

دوحه، بازیکن بازی سابق مسقط



وساطت بعد از حرف از مذاکره مستقیم

هفته گذشته حسین امیرعبداللهیان در یک سخنرانی به احتمال گفت‌وگوی مستقیم ایران و ایالات متحده پرداخت؛ البته از ساعتی بعد از آن، مشغول هرس‌کردن اظهارات خود در این زمینه شد و تا همین جمعه در چند نوبت سعی کرد حرف‌های خود را تعدیل و بر نکات منفی آمریکا تأکید کند. در عین حال، هم‌زمان با این چالش، به نظر می‌رسد همچنان شیوه مطلوب و عملی ارتباط بین ایران و آمریکا از طریق ساکنان کشورهای حاشیه خلیج فارس است. هم‌زمان با بحث‌های جدید، درحالی‌که ایالات متحده و اروپایی‌ها هشدارها درباره پایان پنجره فرصت برای احیای برجام را تکرار می‌کنند و امیرعبداللهیان آشکار کرده است که دولت سیزدهم گزینه مذاکره مستقیم با آمریکا را در نظر گرفته، بعید به نظر می‌رسد در گفت‌وگوهای وزیر خارجه قطر با رئیسی و امیرعبداللهیان، بیگامی بین تهران و واشنگتن ردوبدل نشده باشد. اینکه کار از دو تماس شروع شده و بعد با فوریت به سفر رسیده نیز می‌تواند نشانه دیگری باشد که موضوع به ایالات متحده مربوط بوده است؛ زیرا در «مسائل مورد علاقه» بین ایران و قطر، فعلاً مسئله برجام و ایالات متحده نوعی فوریت زمانی را با خود به همراه دارد.

میزبان طالبان، میهمان ایران

نقش آفرینی قطر به‌عنوان بازیگر مبانی، درحال‌حاضر یک تفاوت مهم با نقش سابق عمان نیز دارد. قطر به‌عنوان میزبان دفتر سیاسی طالبان در سال‌های گذشته، در بازی این گروه تئوریتی نیز جای ایایی نقش دارد و حالا که این گروه با تصرف کابل و اعلام دولت موقت خودخوانده، مدعی حاکمیت بر افغانستان شده است، نقش قطر در این زمینه برجسته‌تر نیز شده است. ایران البته خود هم از طریق سفیر، هم از طریق نماینده ویژه رئیس‌جمهور در امور افغانستان و هم با میزبانی از وزرای این دولت خودخوانده طالبانی، مسئله تعامل با طالبان را جدآگاهانه پیش گرفته است، ولی نقش و جایگاه قطر و البته پاکستان در اقدامات

توافق آمریکا با ایران، زیر سایه قانون کنگره

اینارا چه بر سر برجام می‌آورد؟

علیرضا مستوفی

مخالف در کنگره و با ۹۸ رأی موافق و دو رأی مخالف در سنای آمریکا تصویب شد، باراک اوباما عملاً تهدید کرده بود این طرح را وتو می‌کند، اما با توجه به اینکه آرای موافق بسیار بیشتر از دوسوم لازم بود، عملاً راه وتو بر اوباما بسته شد و او توانست تهدید خود را عملی کند و مجبور شد آن را امضا کند.

قانون اینارا چه بود؟

در قانون اینارا آمده است که هر توافقی که به برنامه هسته‌ای ایران مرتبط باشد و آمریکا در آن شرکت داشته و متعهد به انجام اقدامی شود، صرف‌نظر از هر شکلی که این توافق داشته باشد، و باراک اوباما با ۴۰۰ رأی موافق در برابر ۲۵ رأی

طالبان مشخص و برجسته است. قطر در واقع میزبان نشست‌ها و گفت‌وگوهایسی بود که در نهایت منجر به ترک افغانستان از سوی ایالات متحده و تحویل افغانستان به طالبان شد و حالا بدیهی به نظر می‌رسد که با توجه به شکل رابطه ایران با قطر، تهران از دوحه برای پیگیری اهداف و دغدغه‌های خود کند، ازاین‌رو احتمال بالایی می‌رود که در این سفر، موضوع طالبان نیز بین دو طرف به گفت‌وگو گذاشته شده است.

همه بین ریاض و تهران

جدا از این مسائل، قطر یکی از کشورهای منطقه است. عمان، عراق، پاکستان، بحرین، امارات متحده عربی، یمن و احتمالاً با ساکنان جدید ارک قدرت در کابل که باید گفت افغانستان، همه کشورهای هستند که در موضوعات مختلف، بخشی از دغدغه‌ها و برنامه‌های خود را بین ایران و عربستان می‌بینند. همان‌طور که عمان، عراق و پاکستان شانس خود را برای میانجیگری بین ایران و عربستان امتحان کرده‌اند و بحرین، امارات متحده عربی و یمن به شکل دیگری درگیر مسائل بین ایران و عربستان بوده‌اند، قطر نیز به شکل دیگری در میانه این رابطه است و البته به نوعی به واسطه همین رابطه به نقطه فعلی رسیده است. در نتیجه، این احتمال بالاست که مسئله تهران – ریاض نیز در این سفر از موضوعات گفت‌وگو بوده باشد؛ به‌خصوص آنکه مذاکرات بین ایران و عربستان همچنان منتظر آغاز دور پنجم خود است.

افغانستان به‌فهرست اضافه می‌شود؟

در این میان البته شاید بتوان گمانه‌زنی کرد که یک مسئله دیگر به مسائل بین ایران، عربستان و قطر در حال اضافه‌شدن است؛ دولت موقت خودخوانده طالبان، اتصال ایدئولوژیک انکارنشدنی‌ای به عربستان نیز دارد و به نوعی خاستگاه تفکراتش تمام و کمال در ریاض قابل رصد است. با توجه به اینکه قطر خود بازیگری در موضوع طالبان است، طبیعی است که این موضوع نیز به موضوعات مطرح در میان این سه کشور اضافه شود. با توجه به اینکه تمامی منطقه سوژه مشکلات تهران و ریاض هستند و حل هرکدام به نوعی به حل مشکلات دیگر کرد خورده است، احتمالاً در ادامه مذاکرات بین ایران و عربستان بتوان انتظار داشت مسئله طالبان نیز به فهرست عریض و طویل چالش‌های این دو قدرت منطقه‌ای که باید درباره آنها گفت‌وگو کرد، اضافه شده باشد. چنین اتفاقی البته ممکن است خبر چندان خوبی برای بازیگران منطقه‌ای نباشد؛ یعنی برای بازیگرانی که هرکدام بخشی از دغدغه‌های خود را گرفتار و معطل چالش ایران و عربستان می‌دانند و به همین دلیل هم بوده که سال‌هاست هرکدام به نوعی تلاش کرده‌اند این دو طرف را پای میزی یکسانند و مسائل بین آنها را اگر نه به سمت صلح، لاقلاً به سمت مصالحه هل بدهند.